

ایستاده تا ابد

مجموعه خاطرات در باره جاویدالاثر حاج احمد متوسلیان

www.ketab.ir

مؤلف: سعید هاشمی



سرشناسه	هاشمی، سعید، ۱۳۶۵ -
عنوان و نام پدیدآور	ایستاده تا ابد : مجموعه خاطرات درباره جاویدالتر حاج احمد متوسلیان / مؤلف سعید هاشمی
مشخصات نشر	سندرج: انتشارات اندازیار، ۱۴۰۰
مشخصات ظاهری	۱۱۴ ص: مصور (بخشی رنگی)؛ ۵/۱۴×۵/۲۱ س.م
شابک	۵۰۰۰۰ ریال ۴-۱۹-۷۷۲۸-۶۲۲-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
عنوان دیگر	مجموعه خاطرات درباره جاویدالتر حاج احمد متوسلیان
موضوع	متوسلیان، احمد، ۱۳۳۲ - ۱۳۶۱ - دوستان و آشنایان -- خاطرات
موضوع	جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷ -- شهیدان -- خاطرات
	Martyrs -- Diaries Iran-Iraq War، ۱۹۸۸-۱۹۸۰ --
	شهیدان -- ایران -- بازماندگان -- خاطرات
	Martyrs -- Iran --Survivors -- Diaries
رده بندی کنگره	۱۶۲۶DSR
رده بندی دیویی	۰۸۴۳۰۹۲/۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۸۶۸۶۹۵۸
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

www.ketab.ir

ایستاده تا ابد

مجموعه خاطرات در باره جاویدالتر
حاج احمد متوسلیان

مؤلف: سعید هاشمی

ناشر: انتشارات اندازیار

طرح جلد و صفحه آرایی: شاهو احمدیان

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: تومان

شابک: ۴-۱۹-۷۷۲۸-۶۲۲-۹۷۸

فهرست مطالب

۶	 پیشگفتار
۱۵	 مقدمه
۱۹	 می روم جایی که مردم هستند
۱۹	 پاکسازی روستای نی
۲۱	 واریز حقوق سپاه به خانواده یک کومله
۲۲	 سفره صبحانه حاج احمد متوسلیان
۲۳	 اعتماد حاج احمد متوسلیان به نیروهای بومی
۲۶	 گریه حاج احمد متوسلیان
۲۷	 سوگند جلاله
۲۹	 فتح قوچ سلطان
۳۰	 پاکسازی سروآباد بدون تلفات
۳۲	 پیشنهاد حضرت آقا مبنای حرکت شد
۳۴	 بیت نفت
۳۴	 اسوه حسنه
۳۵	 نبرد محمد رسول الله (ص)
۳۶	 مریوان سرزمین سرشار از شکوه و دلآوری
۳۷	 گروهی اندک اما با ایمان
۳۷	 محاصره‌ای که بدون شلیک حتی یک گلوله شکسته شد
۴۱	 کشیدن امنیت منطقه را به رخ دشمن
۴۴	 اگر من فرمانده ام می گویم نماز نخوان
۴۵	 قم کردستان
۴۵	 سکوی پرواز
۴۶	 حاج احمد
۴۷	 تمام مسائل پشت سر هم چیده شده بود که ایشان بروند و شهید بشوند
۴۸	 مسیر انقلاب

- ۴۹.....ضریه روحی شهید دستواره از اسارت حاج احمد
- ۵۰.....چرا بر می گردی عقب؟
- ۵۱.....ظرف ها را سر وقت می شست
- ۵۲.....روستای دزلی را گرفته ایم
- ۵۲.....شکایتت را به حاج احمد متوسلیان خواهم کرد
- ۵۵.....خون دل
- ۵۵.....سیاه پناهگاه مردم مریوان شده بود
- ۵۶.....دزلی هم با ابتکار حاج احمد آزاد شد
- ۵۷.....برخورد احمد متوسلیان با زن و بچه تفتنگ چی کومله
- ۵۸.....در جبهه پمان و خدمت کن
- ۵۹.....کسی آمده به اسم احمد متوسلیان، این بابا پدر ما را درآورده!
- ۶۰.....از صبح در حمام، لباس چرک های بچه ها را می شستند
- ۶۱.....پاسداران انقلاب را در سردشت سر بُریدند!
- ۶۲.....مسئولین هیئت حسن نیت، حسن نیت برای خیانت داشتند
- ۶۵.....البوم تصاویر

پیشگفتار

داغ شهادت محمد توسلی، هر چند پشت حاج «احمد» را شکست، اما هیئات! هرگز نتوانست خللی در عزم استوار آن سرباز سلحشور حسین زمان وارد آورد. بلافاصله دست به کار یک رشته عملیات تهاجمی با هدف پاکسازی نوار مرزی مریوان گردید. آماج نخستین ضربت کوبنده حاج «احمد»، دزلی بود. تصرف دزلی که حکم سرّیل اصلی نفوذ عناصر ضدانقلاب به داخل خاک کردستان ایران را داشت، از مهم ترین دستاوردهای مهارت رزمی درخشان حاج «احمد» و فته قلیل رادمردان هم‌رزم او در جبهه مریوان به شمار می رود. برای پی بُردن به عظمت کاری که حاج «احمد» با فتح ارتفاعات دزلی انجام داد، باید ابتدا با دزلی و نقشی که این منطقه در معادلات سیاسی، نظامی منطقه برای ضدانقلاب و حامیان بعثی و شرقی و غربی آن ایفا می کرد، آشنا شویم. دزلی منطقه ای کوهستانی و مرتفع در محدوده اورامان و در مجاورت نوار مرزی کردستان ایران با خاک عراق است. در آن مقطع، تابستان سال ۱۳۵۹ روستای دزلی، در اشغال عناصر مسلح حزب منحلّه دمکرات و به مثابه مستحکم ترین دژ برای ضدانقلاب بود. موقعیت سوق الجیشی دزلی، حساسیت خاصی به آن منطقه کوهستانی بخشیده بود. از حیث وضعیت جغرافیایی، آن روستا، در یک فرورفتگی کاسه مانند قرار داشت. اطراف آن را ارتفاعات صعب العبوری احاطه کرده بود و یک راه مواصلاتی از سمت پاوه به آن منتهی می شد که در ضمن مسیر تردد مردم بومی منطقه نیز بود. در دو سوی این معبر، حدود یک تا دو کیلومتر، صخره های بزرگی قرار داشت که ضدانقلاب در پناه آنها به راحتی قادر بود با استقرار قوای معدودی یک ستون عظیم نظامی را در سطح معبر به تله انداخته، نابود کند؛ همچنان که در دوران رژیم طاغوت، چنین واقعه ای اتفاق افتاد. حاج «احمد» در این باره می گوید: «منطقه دزلی در زمان رژیم شاه کلاً دو بار از دست این گروه ها گرفته شده بود و این دو بار را در آن دوران به عنوان وقایع تاریخی در کتیبه مسجد جامع سنج ثبت کردند. روستای دزلی را ضدانقلابیون برای خودشان دژی محسوب می کردند. آنها تمام صخره های مشرف بر مسیر راه مزبور را با خرج گذاری دینامیت و

تی.ان.تی بمب گذاری، و عرض کنم که تله گذاری کرده بودند.» همین مسئله باعث پُرویی و گزافه گویی فراوان ضدانقلاب، در تبلیغات مسموم آنان شده بود. به عنوان مثال، در یکی از اعلامیه های گروهک دمکرات، چندی پس از آزادسازی مریوان توسط حاج «احمد» و هم‌زمانش، آنان وقیحانه شکست خود در نبرد مریوان را عقب نشینی تاکتیکی وانمود ساخته و نیروهای انقلاب را به زورآزمایی در تله دزلی دعوت کرده بودند: «مضمون اعلامیه دمکرات این بود: «احمد متوسلیان» و قوای حکومت اگر راست می گویند و قدرت دارند، بیایند و دزلی را از پیشمرگان ما بگیرند!» دیگر اینکه موقعیت سیاسی خاص دزلی را نباید نادیده گرفت. در حقیقت، دزلی، حکم قرارگاه فرماندهی کل و ستاد مشترک سران ائتلاف باندهای ضدانقلاب در غرب کشور را داشت؛ ائتلافی شیطانی، شامل طیف متنوعی از آخوندهای جیره خوار دربار پهلوی نظیر شیخ عثمان نقشبندی و شیخ عزالدین حسینی تا قاسملوی دمکرات، ژنرال های فراری سلطنت طلب از قماش پالیزبان و اوپسی، دارودسته شاپور بختیار و سرانجام گروهک های افراطی مارکسیستی نظیر کومله و متحدان چپ آمریکایی آن؛ فدایی و پیکار. جلسات ادواری سران این ائتلاف هفت جوش ضدانقلاب، به طور منظم در دزلی و با حضور افسران عالی رتبه سرویس اطلاعات رژیم بعث عراق برگزار می شد. سردار رشید سپاه اسلام حاج ابراهیم همّت در مورد دستور کار یکی از این جلسات می گوید: «قبل از فتح دزلی توسط سپاه مریوان، یکی از این جلسات که خیلی هم مهم بود، در دزلی برگزار شد. در جلسه مزبور، پالیزبان به اتفاق قاسملو و تنی چند از افسران طاغوتی، به شیخ عثمان نقشبندی پیشنهاد می دهند که تو باید سپاه رزگاری را در اورامان تشکیل بدهی و مردم آنجا را مسلح کنی. این جلسه، با کنفرانس سران عرب در طائف عربستان همزمان بود به اصطلاح خودشان فتوا هم داده بودند که جنگ علیه شیعه و پاسدار حلال است و شما مردم، باید علیه این دو بجنگید!»

حاج «احمد» در بخشی از خاطرات خود از نبردهای غرب، اشاره ای هم به توطئه استکباری تشکیل سپاه رزگاری داشته است: «شیخ عثمان را مجبور می کنند که

گروهک رزگاری را تشکیل بدهد. او هم نام نیروهای مسلح خود را سپاه عمر بن خطاب گذاشته بود. علت انتخاب نام خلیفه دوم برای شاخه نظامی این گروهک این بود که می خواستند از اعتقادات مذهبی مردم اهل سنت منطقه غرب کشور سوءاستفاده کنند. چنان که خود شیخ عثمان هم به چنین سفسطه ای متوسل شد و گفته بود همان طور که سپاه اسلام در زمان خلیفه دوم به ایران حمله کرد و ایرانیان مجوس را مسلمان کرد، حالا هم این سپاه، کارش مشابه همان سپاه دوران حضرت عمر است که می خواهد ایران به زعم او کافر را مسلمان بکند! این به اصطلاح سپاه رستگاری! براساس رهنمودهای سران مرتجع کشورهای عربی منطقه، به ویژه وهابیت حاکم بر حجاز در کنفرانس سران عرب کمتر از یک ماه پیش از حمله سراسری ارتش بعث عراق به خاک جمهوری اسلامی ایران تشکیل گردید. استکبار جهانی به سرکردگی آمویکا و ارتجاع عرب حاکم بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در استمرار روند جنایت زدایی از حاکمیت انقلابی نظام مقدس جمهوری اسلامی، یک رشته تدابیر عاجل و ضربتی را در دستور کار خویش قرار دادند. رؤس تدابیر متخذه در اجلاس طائف از این قرار بود:

۱- تشدید حرکت های تجزیه طلبانه در مناطق مختلف ایران اسلامی، به ویژه دو استان حساس مجاور مرز عراق، خوزستان و کردستان، از طریق یک دست کردن فعالیت عناصر متشنت ضدانقلاب.

۲- برنامه ریزی جهت اجرای موفق یک کودتای نظامی برق آسا، با بهره گیری از عناصر سلطنت طلب و پاکسازی نشده در ارتش ایران.

۳- و سرانجام، در صورت به بن بست رسیدن تدابیر فوق، دادن چراغ سبز به ماشین جنگی رژیم توسعه طلب بعث عراق که به ویژه پس از سرنگونی رژیم شاه معدوم رهبری آن در آتش اشتیاق ایفای نقش ژاندارمی استکبار در خلیج فارس می سوخت. بر همین اساس، جهت تحقق بند یک تدابیر متخذه در اجلاس طائف، در قدم نخست سپاه رزگاری در کردستان تشکیل گردید. دشمنان جهانی و منطقه ای جمهوری اسلامی ایران که از بی رنگی حنای شعر و شعارهای خلقی و دمکرات مآبانۀ گروهک

ها در نزد افکار عمومی مردم مسلمان کُردستان، در گذر نزدیک به سه سال جنگ در این استان به خوبی آگاه شده بودند، ضمن تشکیل سپاه رزگاری و سپردن فرماندهی اسمی آن به شیوخ خود فروخته نقشبندی در صدد برآمدن با دامن زدن به تعصبات مذهبی اهالی مناطق کُردنشین غرب کشور و طرح ضدیت میان شیعه و سنی، بن بست جنگ افروزی گروهک ها در کُردستان را بشکنند. فتوای معروف شیخ عثمان مزدور که گفته بود: «هر کس ۱۰ پاسدار امام خمینی^(ه) را سر ببرد، بهشت بر او واجب می شود!» تبلور عینی عزم استکبار برای تبدیل بحران کُردستان به یک جنگ خونین مذهبی بود. سردار رشید اسلام حاج ابراهیم همت درباره تأثیر آن فتوای رذیلانه گفته بود: «آن جریان کثیف و خائنانه بلافاصله در منطقه دامنگیر شد و حتی دامنه آن جریان به یاره هم رسید. به عنوان مثال، بعد از صدور این به اصطلاح فتوا، چندین حمله از طرف گروهک رزگاری به پاسداران ما صورت گرفت. موقعی که برادران سپاه مریوان و ارتش حمله کردند تا منطقه اورامان را آزاد کنند، طی حمله چند تن از برادران ما که زخمی شده بودند به دست عوامل رزگاری اسیر شدند. این از خدا بی خبرها، روی زخم های مجروحین، آب نمک ریخته بودند، آب جوش ریخته بودند؛ چرا که آن روحانی نماهای مزدور آمریکا، در جلسات شان، جنگ علیه شیعه و به اصطلاح خودشان علیه پاسدار را حلال کرده بودند. ریختن آب جوش بر سر اینها را هم حلال کرده بودند و حتی بعضی زن ها هم روی سر بچه ها آب جوش می ریختند و اینها همه، گوشه ای کوچک از عذابی بود که ما از دست این جنایتکارها کشیدیم.»

حاج احمد صف شکن سپاه انقلاب در پی مراجعت از محضر مسیحایی پیر جماران با روحیه ای صد چندان نیرومندتر از گذشته؛ دلگرم به الطاف خفیه الهی و مؤید به تأییدات نایب برحق قطب عالم امکان، دیگر بار جوشن بی پشت جهاد بر تن راست کرد و به کار پیکار بی امان خویش با روبهان زشت خوی ضدانقلاب استمرار بخشید. در پی حلول سال نو شمسی ۱۳۶۰ و پخش پیام نوروزی حضرت امام^(ه) که این سال را سال اجرا و حاکمیت قانون لقب داده بود، حاج احمد به سرعت سلسله عملیات

آزادسازی ارتفاعات استراتژیک نوار مرزی غرب مریوان، از شمال به جنوب را آغاز کرد. اهم دستاوردهای حاج احمد در این رشته نبردها، به قرار ذیل می‌باشد:

- ۱- آزادسازی قلعه سوق الجیشی تنه در چهارم فروردین ۱۳۶۰.
- ۲- بازپس‌گیری پاسگاه مرزی ژالانه، پاسگاه شهدا در نوزدهم فروردین ۱۳۶۰. ۳-
- تصرف دکل مرزی کمانجیر مشرف بر خاک عراق در ششم اردیبهشت ۱۳۶۰.
- ۴- تسخیر ارتفاع ۲۸۹۰ متری اورامان تخت و دفع حملات ارتش عراق برای اشغال این مرتفع‌ترین قلعه مرزی در بیست و یکم اردیبهشت ۱۳۶۰.
- ۵- تصرف منطقه مرزی مله خور و تسخیر قلعه بلند دالانی، مشرف بر شهرهای خرمال، بیاره، طویله، سیدصادق، شانه دری عراق و زیر دید و تیر قرار گرفتن پادگان‌ها و مراکز امنیتی رژیم متجاوز بعث در این مناطق و انهدام کلیه پاسگاه‌های مرزی دشمن؛ در ششم خرداد ۱۳۶۰.
- ۶- درهم کوبیدن تهاجم گسترده ۲ تیپ تازه نفس ارتش عراق در هشتم خرداد ۱۳۶۰. نیروهای این دو تیپ عراقی که پس از تجاوز به ارتفاعات مرزی قوچ سلطان در شمال غربی جبهه مریوان و نفوذ به عمق هشت کیلومتری خاک ایران درصدد بازپس‌گیری ارتفاعات آزاد شده؛ خصوصاً قلعه دالانی برآمده بودند، در برابر تدابیر دفاعی هوشمندانه حاج احمد و رشادت‌های رزمندگان سپاه مریوان، زمین گیر شده و کاری از پیش نبردند.
- در جریان برگزاری دومین سمینار سراسری فرماندهان سپاه سراسر کشور در پادگان غدیر اصفهان، حاج احمد طی سخنان مبسوطی، ضمن تشریح گوشه‌هایی از مصائب ناگوار مبتلا به جنگاوران انقلاب در جبهه‌های غرب غریب و دردمندانه گفته بود: «...تمام صحبت‌های من، نتیجه دو سال و سه ماه حضور در مناطق غرب کشور، از فردای شروع ماجراهای کردستان است... به خدا سوگند که ما در غرب، خودمان را به آب و آتش زدیم تا بتوانیم به مرز برسیم. ما در غرب، در دو جبهه می‌جنگیم. یکی جبهه داخلی که گروهک‌های ضدانقلابند و جبهه دوم هم قوای صدامی هستند.